

قَلِيلٌ يَدُوْمٌ
خَيْرٌ مِّنْ كَثِيْرٍ مُنْقَطِعٍ

کم پیوسته

بہتر از زیاد ناتمام است

بیندیشند. بلکه غالباً وجه سلبی آن را می‌بینند و آن را در جهت کمتر کار کردن و کمتر عمل کردن تعبیر و تفسیر می‌کنند. این در حالی است که اگر در همان حد تکلیف خود و نه بیشتر عمل کنند، وضعیت خود و جامعه‌شان از وضع امروزشان متفاوت و بهتر خواهد بود.

این مقدمه را برای آن آوردیم که زمینه را برای بیان سخن اصلی که همان کلام علی (ع) است آماده کنیم. علی (ع) می‌فرماید: کار کم و پیوسته بهتر است از کار زیادی که ناتمام بماند. حال می‌خواهیم بگوییم، هر فرد انسانی آن قدر ظرفیت دارد که می‌تواند در طول عمر خود کارهای بسیاری را برای مدت طولانی و پیوسته انجام دهد.

می‌دانیم که یکی از فارغ‌البال‌ترین قشرهای هر جامعه کودکان و نوجوانان هستند؛ فراغت، هم از نظر ذهنی و روحی و هم از نظر وظایفی که بر عهده دارند. البته می‌دانیم که اگر دانش‌آموز یا نوجوانی، به‌ویژه در آستانه امتحان کنکور، این ادعا را بشنود، نخواهد پذیرفت، زیرا خودش با بار بزرگی! که امتحانات و درس خواندن بر دوش او نهاده است، خود را گرفتارترین فرد عالم می‌داند! با این حال، واقعیت همان است که گفتیم. کودکی و نوجوانی سرشار از

این کلام حکمت‌آمیز، در عین سادگی، درس‌های بسیار دارد، چنانکه اگر به کار بسته شود، برای فرد برکات زیادی به همراه می‌آورد. اما چگونه؟ بیان این مطلب به مقدمه‌ای کوتاه نیاز دارد.

می‌دانیم در میان موجودات انسان تنها موجودی است که از ظرفیت‌های بسیار متنوع برخوردار است. برای مثال، درخت چه ظرفیتی می‌تواند داشته باشد جز رشد کردن و گل دادن و میوه آوردن؟ و یا کبوتر چه ظرفیتی دارد جز رشد کردن و پرواز کردن و تولید مثل و... اما انسان ظرفیت‌هایی دارد که حتی از نظر جسمانی نامحدودند؛ اگر چه خود غالباً بدان‌ها توجه ندارد و از آن‌ها استفاده نمی‌کند.

در آخرین آیه سوره بقره جمله‌ای هست که می‌فرماید: لا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْساً اِلاَّ وُسْعَهَا: یعنی خداوند بر کسی وظیفه یا تکلیفی فراتر از طاقتش وضع نمی‌کند. آری، چنین است. و این مقتضای عدل الهی است. اما سؤال: آیا همه ما در همان حد که تکلیف و توانایی داریم به وظیفه خود عمل می‌کنیم؟

بی‌تردید پاسخ این سؤال منفی است. بسیار نادرند انسان‌هایی که - و از جمله مسلمانانی که مخاطب این کلام الهی هستند - به وجه ایجابی این کلام

کار کم و پیوسته بهتر از کار زیادی است که ناتمام بماند

(غررالاحکم، ص ۵۳۴)

و قوی‌تر از دیگر دوستانی هستند که یا به کلی ورزش نمی‌کنند و یا در ورزش کردن نظم و سامانی ندارند.

بر این مثال می‌توان قیاس کرد و ده‌ها فعالیت را نام برد و ردیف کرد و انجام هر یک را فراخور علاقه و استعداد و امکانات هر یک از بچه‌ها، پیشنهاد داد؛ از اول دبیرستان بگیرد تا پایان دبیرستان. و البته اگر این کار با همکاری و هدایت خانواده انجام گیرد که چه بهتر. از این کارها، نمونه‌هایی را نام می‌بریم: پس‌انداز هفتگی حتی به مبلغ اندک، ولی به مدت چند سال، انجام یکی از ورزش‌ها به طور منظم، انتخاب یک رشته هنری حداقل به مدت دو ساعت در هفته (نقاشی، طراحی، بافندگی، قالی‌بافی، گلدوزی، قلم‌زنی و فروشندگی)، تنظیم دفتری از احادیث، نوشتن هر هفته یک حدیث (یا آیه قرآنی، یا سخن بزرگان، یا ضرب‌المثل، یا شرح حال بزرگان و...)، نوشتن خاطرات روزانه (دست کم دو یا سه بار در هفته)، مطالعه داستان کوتاه (هر هفته یک داستان)؛ رفتن به جلسات سخنرانی علمی و ادبی، عکاسی از اماکن و مناظر خاص، فیلم‌برداری و تشکیل کلکسیونی از یک شیء (تمبر، مداد، کبریت، برگ، گل، دانه، فسیل، صدف و تسبیح).

فراغت و لذا دوره رشد و شکوفایی هم هستند. به عبارت دیگر، ظرفیت‌هایی که گفتیم در همین دوره است که امکان شکوفایی دارند، و گرنه به تدریج رو به تحلیل می‌روند و دیگر امکان شکوفایی وجود ندارد. بر این اساس، اگر نظام آموزشی بتواند برای این اوقات فراغت، بر مبنای آنچه از سخن علی(ع) مستفاد می‌شود، برنامه‌هایی ترتیب دهد و به عبارتی برنامه‌ریزی کند، بهره‌های زیادی را نصیب فرد و جامعه خواهد کرد. البته این کلیت یا کلان مسئله است و بحث خودش را دارد و کار ما نیست. بنابراین سخن ما با خود و همکاران خودمان در هر کلاس و مدرسه است. هر معلمی - اعم از معلم کلاس یا مدیر و معاون مدرسه - می‌تواند اندیشه کند که چگونه می‌توان دانش‌آموزان را خارج از کلاس به کارهایی واداشت که «قلیل و مدام» یعنی کم اما پیوسته باشد تا بتواند در دراز مدت نتیجه‌بخش باشد. نگارنده گمان می‌کند، از این کارها فراوان است، منتها باید نخست ادب و به قول دیگر «فرهنگ» این کار را در دانش‌آموزان ایجاد کرد. دانش‌آموزانی که طی دوره تحصیل خود، در اوقات بیکاری، پیوسته ورزش می‌کنند، مصداق «کار اندک و پیوسته» هستند و نتیجه کارشان هم این است که در بزرگسالی سالم‌تر